

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۱۶

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی

سال پنجم، شماره ۲۰، بهار ۱۳۹۶

روایت «ظهور الماء» اصالت، مصادیق و رابطه با امر فرج قائم عجل الله فرجه

سیدمرتضی میرسراجی^۲

احمد مرادخانی^۳

چکیده

در کتاب «اختصاص» شیخ مفید (م. ۴۱۳ ق) روایتی دو بخشی آمده است که بخش اول آن به سختی ها و غم های مردم قم از زبان جبرئیل و بخش دوم آن از قول امام هادی علیه السلام به زمان رفع سختی ها را و آشکار شدن آب در سطح زمین در مقام یک نشانه است. در پژوهش پیش رو این حدیث از بُعد سندی و متنی و نظرات مختلف حدیث پژوهان، بررسی و حیطه مفهومی و مصداقی آب در این روایت مورد ارزیابی و ارتباط آن با امر فرج حضرت قائم علیه السلام تحلیل و نظرات مختلف دانشمندان اسلامی در این زمینه مورد نقد قرار گرفته و در انتها در قالب نتایج سه فرضیه درباره «ظهور الماء» با نگاه و دیدگاه غیر مادی و معنوی ارائه شده است. فرضیه اول دلالت ظهور الماء را بر تاسیس مرکز حدیثی شیعه توسط اشعریان در قرن سوم و چهارم بیان می کند. فرضیه دوم مفهوم و مصداق آشکار شدن آب در قم را تاسیس حوزه علمیه فقهیه در قرن چهاردهم می داند و فرضیه آخر دلالت مذکور را با توجه به تفاسیر و روایات همان ظهور حضرت قائم علیه السلام بر می شمرد.

واژگان کلیدی:

ظهور الماء، قم، امام مهدی، علائم ظهور، کتاب اختصاص.

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد دانشجو است.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (نویسنده مسئول)

(ah_moradkhani@yahoo.com).

مقدمه

اتصال معصومان علیهم‌السلام به سرچشمه علم الهی عامل توجّه هر چه بیشتر صاحبان خرد به گفتار و رفتار ایشان در هر زمینه به عنوان الگوی نیکو است. عنایت به روایات مهدویّت و مباحث آخرالزمانی به جهت تاکیدات فراوان بر شناخت ولی عصر علیه‌السلام از جایگاه ممتازی برخوردار است اما به جهت شکل‌گیری و انتشار اخبار موضوعه در مجامع روایی لزوم بررسی اسناد و دقّت نظر در دلالت محتوایی روایات با هدف سالم‌سازی فهم و دریافت صحیح از گنجینه دانش اهل بیت علیهم‌السلام همواره احساس می‌شود. پژوهش در زمینه حدیثی مهدویت چه مرتبط و چه غیرمرتبط با این مقوله اثبات یا احتمال داده شود راه را برای شناخت بهتر، بیشتر هموار می‌سازد.

در این پژوهش سعی می‌شود تا حدیث دو قسمتی از امام هادی علیه‌السلام در زمینه معراج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مورد بررسی و دلالت‌ها و مصادیق بخش دوم حدیث از نظر دانشمندان اسلامی مورد تحلیل واقع شود. در بخش اول اشاره به سختی‌ها و مشکلات مردم قم دارد و در بخش دوم راوی از امام هادی علیه‌السلام از زمان برطرف شدن این مصائب و سختی‌ها می‌پرسد و امام علیه‌السلام زمانی را که آب بر سطح زمین جاری شود، زمان برطرف شدن مشکلات بر می‌شمرد که این بخش از حدیث سبب شده که دانشمندانی نسبت به تبیین ظهور آب در زمین واکنش نشان داده و نظراتی را در این زمینه بیان کنند که در این مقال سعی بر آن شده، ضمن اشاره به نظرات آن‌ها، آن موارد نقد و در نهایت سه فرضیه ارائه شود.

پیشتر در هیچ مقاله و کتابی به مسئله «ظهورالماء» و ارتباط آن با قائم علیه‌السلام بحث و بررسی مبسوط و همه‌جانبه انجام نشده است و این پژوهش برای نخستین بار است که به ابعاد مختلف آن و نظرات گوناگون دانشمندان اسلامی به فراخور روایت و تبیین مختصر آن در ذیل خبر می‌پردازد.

روایت ظُهورالماء

«مفید» (م. ۴۳۰ ق) روایتی دو بخشی از حضرت امام هادی علیه‌السلام نقل می‌کند که در بخش دوم بیانگر نشانه و علامتی است که دارای اجمال است:

و رُوِيَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام قَالَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم لَنَا أُسْرَى بِي إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ نَظَرْتُ إِلَى قَبْتَةٍ مِنْ لَوْلُهَا أَرْبَعَةُ أَرْكَانٍ وَ

أَرْبَعَةُ أَبْوَابٍ كُلُّهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ أَخْضَرُ قُلْتُ يَا جَبْرَيْلُ مَا هَذِهِ الْقُبَّةُ الَّتِي لَمْ أَرَفِ السَّمَاءِ
الرَّابِعَةَ أَحْسَنَ مِنْهَا فَقَالَ حَبِيبِي مُحَمَّدٌ هَذِهِ صُورَةُ مَدِينَةِ يُقَالُ لَهَا قُمْ يَجْتَمِعُ فِيهَا عِبَادُ
اللَّهِ الْمُؤْمِنُونَ يَنْتَظِرُونَ مُحَمَّدًا وَشَفَاعَتَهُ لِلْقِيَامَةِ وَالْحِسَابِ يَجْرِي عَلَيْهِمُ الْعَمُّ وَالْهَمُّ وَالْأَخْزَانُ وَالْمُكَارَةُ قَالَ فَسَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيُّ عليه السلام مَتَى يَنْتَظِرُونَ الْفَرَجَ قَالَ إِذَا
ظَهَرَ الْمَاءُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ؛ (المفيد، ۱۴۱۳ق: ۱۰۱)

و روایت شده از امام هادی علیه السلام از پدرش و از جدش از امیر مؤمنان علیه السلام که فرمودند: رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هنگامی که مرا به آسمان چهارم بردند نگاه کردم به گنبدی از مَروارید
که چهار پایه و چهار درب داشت و همانند ابریشم سبز بود، گفتم: ای جبرئیل این گنبد
چیست که در آسمان چهارم بهتر از آن را ندیده‌ام؟ آن‌گاه جبرئیل عرض کرد: ای حبیب
من محمد! این صورت و نمای شهری است که به آن «قُم» گفته می‌شود که در آن بندگان
با ایمان خدا در آن گرد هم می‌آیند، محمد صلی الله علیه و آله و شفاعت او در قیامت و روز حساب را
انتظار می‌کشند، [بر مردم قُم] غم، اندوه، ناراحتی‌ها و سختی‌ها جاری می‌شود، راوی
گوید به امام هادی علیه السلام عرض کردم تا کی [مردم قُم] در انتظار فرج و گشایش باشند؟
فرمود: تا آن زمان که آب بر روی زمین پدیدار گردد.

بحث

روایت از شش جهت: بررسی متن، بررسی سند، دلالت بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام، دیدگاه
دانشمندان اسلامی، نقد و فرضیه؛ مورد بررسی و تحلیل واقع می‌شود:

بررسی متن

در انتساب کتاب «اختصاص» به «مفید» تشکیک وجود دارد، برخی انتساب آن را به او به
طور کل مُنتفی می‌دانند. (الطهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۳۵۸). در باب وثاقت کتاب هیچ کتابی
مطلقاً توثیق نمی‌شود بلکه لازم است روایات در یک مجموعه مستقل از هم مورد بررسی قرار
گیرند. خبر مذکور در آثار دیگر محدثان به نقل «وَجَادَه» ذکر شده که می‌توان به این موارد اشاره
نمود: «بِحَارِ الْأَنْوَارِ» (المجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۸، ۳۱۱)، «عَوَالِمُ الْعُلُومِ» (البحرانی،
۱۴۱۳ق: ج ۳۵۵، ۲۱)، «مُسْنَدُ الْإِمَامِ الْهَادِي» (العطار دی، ۱۴۱۰ق: ۲۹۷)، «مَوْسُوْعَةُ الْإِمَامِ
الْهَادِي» (الْحَزْعَلِي، ۱۴۲۴ق: ج ۳، ۳۱۸). قدیمی‌ترین کتاب موجود که تنها بخش اول این
حدیث را با اندکی اختلاف پیش از اختصاص نقل نموده کتاب غیر حدیثی ترجمه «تاریخ قم»
است که آن را برگردان از متن عربی ضبط کرده است. اصل کتاب تاریخ قم اثری تاریخی و
عربی از «محمد بن حسن أشعری قمی» (متوفای بعد از ۳۷۸ ق) بوده که مربوط به ویژگی‌ها و

تاریخ شهر قم است که ۲۰ باب عربی به مُرور از بین رفته و تنها ترجمه پنج باب فارسی در اوایل قرن نهم توسط «علی بن حسن بن عبدالملک قمی» موجود است. همین امر قضاوت را در مورد حدیث تا حد زیادی سخت می‌کند چون متن ترجمه فارسی گویای همه‌جانبه کلام معصوم علیه السلام نیست و چه بسا افتادگی‌ها و کمبودهایی نیز داشته باشد. حسن بن محمد قمی تاریخ‌نگار بوده ولی محدثان بزرگی چون «مجلسی» به روایات او از کتاب غیر حدیثی‌اش اعتنا کرده‌اند. در روایت موجود در ترجمه کتاب تاریخ قم آمده است:

... همچنین «ابو مقاتل» گوید که: از ابی الحسن علی بن محمد علیه السلام [امام هادی علیه السلام] شنیدم که: شب معراج که رسول صلی الله علیه و آله را به آسمان بردند، در آسمان چهارم نظر کرد به قُبّه از نور، که آن را چهار رُکن بود به چهار دَر؛ گوئیا استبرق سبز بود، از خرمی و سبزی و پاکی و تازگی. چون نظر صائب محمد رسول الله صلی الله علیه و آله بر آن قُبّه آمد، فرمود که: ای جبرئیل! این چه قُبّه است، که من در همه آسمان مثل و مانند و بهتر و نیکوتر ازین ندیدم؟ جبرئیل گفت که: این صورت شهر بیست که آن را «قُم» گویند، که بندگان خدای از مؤمنان در آن جمع شوند، و انتظار تو کِشند از برای قیامت و حساب، تا تو شفیع اَمّت گردی و همچنین مؤمنان و زاهدان در آن جمع شوند، و انتظار محمد کشند، و شفاعت کردن او درباره دوستان آل محمد علیهم السلام و الله اعلم. (القمی، ۱۳۶۱: ۹۶)

بررسی سند

در حدیثی که در ترجمه فارسی تاریخ قم آمده به راوی اصلی از معصوم علیه السلام یعنی «ابو مقاتل» اشاره شده و تا حدی راه را برای کشف سند احتمالی حدیث باز نموده است. در ابتدای حدیث نوشته شده: «... همچنین ابو مقاتل گوید: ...». محتمل است که سند این حدیث با سند حدیث قبلی پیوند داشته و با توجه به سند قبلی که «سعد بن عبدالله بن ابی خَلَف اشعری» از «ابو مقاتل» نقل روایت کرده «شبه تعلیق» صورت گرفته باشد یا به حَسَب این که ابو مقاتل مطلبی دیگر در فضیلت قُم داشته این حدیث به آن صورت بیان شده است.

واژه «همچنین» که معادل «ایضا» است شاید برابر با «بهذا الاسناد» موجود در متون حدیثی باشد و در نتیجه شبه تعلیق اعمال شده است. اگر کلمه «همچنین» را معادل با «بهذا الاسناد» بدانیم برای حدیث موجود در کتاب ترجمه تاریخ قم سندی مانند: «حسن بن محمد القمی عن سعد بن عبدالله الاشعری عن ابی مقاتل عن ابی الحسن علی علیه السلام» (یعنی امام هادی علیه السلام) می‌توان تصور کرد و آن را از حالت ارسال خارج و مُسند ساخت. اما در مورد اختصاص با توجه

به فاصله زمانی آن با کتاب تاریخ قم و عدم وجود راویان تا معصوم علیه السلام از زمان «مفید» چنین کاری ممکن نیست. مجلسی این روایت را از اختصاص نقل کرده است و از ترجمه تاریخ قم بر خلاف دیگر مواضع کتابش که از آن نقل نموده، این حدیث را نقل نکرده است؛ چنان که بعد از نقل این روایت از اختصاص، به این عبارت بسنده کرده است:

تاریخ قم، عن أبي مقاتل الديلمي عنه عليه السلام مثله. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۷، ۲۰۸)

ولی عبارت «وایضا بدین آسانید» (القمی، ۱۳۶۱ش: ۹۵) نیز در ترجمه داریم که می‌تواند این رای را متزلزل سازد. با توجه به متن عربی کتاب اختصاص و ترجمه فارسی کتاب تاریخ قم درمی‌یابیم که حدیث «ظهورالماء» سند متصل و مسلسل ندارد. حدیث در اختصاص فاقد راوی ولی از امام هادی علیه السلام به شکلی که از نظر گذشت به امیر مؤمنان علیه السلام و در نهایت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و جبرئیل رسانده است ولی در ترجمه تاریخ قم شاهد این نکته هستیم که به طور مستقیم امام هادی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل روایت می‌نماید و از طرف دیگر نام ابومقاتل بدون یاد کرد شاگردان و طبقات بعد از او ذکر شده است.

در ترجمه تاریخ قم آمده است:

وأيضا از وی [سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی] روایتست، که او گفت: حدیث کرد مرا ابو مقاتل سبیل دیلمی - نقیب ری - که شنیدم از ابی الحسن علی بن محمد علیه السلام. (القمی، ۱۳۶۱ش: ۹۶)

مجلسی نیز که نسخه ترجمه فارسی را داشته و آن را به کلام معصوم علیه السلام تعریب نموده، نوشته است:

وَعَنْ أَبِي مُقَاتِلِ الدِّيلِمِيِّ نَقِيبِ الرَّيِّ... (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۷، ۲۱۳)

و در نام «ابومقاتل» بر خلاف ترجمه موجود نامواژه «سبیل» وجود ندارد. با فحص در کتاب‌های رجالیان شخصی به نام «ابومقاتل صالح دیلمی» قریب به آن نام استخراج می‌شود و ممکن است همین شخص یعنی ابومقاتل صالح دیلمی همان راوی حدیث از امام هادی علیه السلام بوده و اتحاد شخصیت با ابو مقاتل سبیل دیلمی داشته باشد. از صالح ابومقاتل دیلمی چیزی دال بر «سبیل» به عنوان نام پدر یا «منصب نقابت» یا در «ری بودن» یا از «اصحاب امام هادی علیه السلام بودن» و حتی «وثاقت» دریافت نمی‌شود. از او در منابع روایی مهم و در دسترس با این نام و کنیه نیز روایت دیگری به دست نیامد. ابن غضائری، صالح ابومقاتل را صاحب

کتاب بزرگی در «امامت» در مباحث حدیثی و کلامی با نام «احتجاج» معرفی می‌کند (ابن الغضائری، ۱۴۲۲ ق: ۱۲۳) که از آن هیچ وثاقت، زمان زندگی و وفات و همنشینی با امام هادی علیه السلام برداشت نمی‌شود. دیگر رجالیان از متقدمان همچون نجاشی (نجاشی ۱۳۶۵ ش: ۱۹۸) همان کلام ابن غضائری را تکرار کرده و ابن داود حلّی (حلی، ۱۳۴۲ ش: ۱۸۵) فقط به نام و صاحب کتاب بودن او بدون اشاره به نام و محتوای آن کتاب بسنده نموده است. «ابن داود» از کتاب «گشی» این شخصیت را ترجمه می‌کند ولی در کتاب «اختیار معرفة الرجال» طوسی که برگزیده کتاب گشی است این شخصیت وجود ندارد. (الطوسی، ۱۴۰۴ ق) حتی طوسی در کتاب «الفهرست» خود که نام مولفان و مصنفات امامیه را گرد آورده است به او و کتابش هیچ اشاره ای نموده است (الطوسی، ۱۴۲۰ ق).

متأخران از ارباب رجال و تراجم نیز توفیق چندانی در جهت دستیابی به مدرک معتبری در کشف شخصیت و وثاقت او نداشته‌اند رجالیانی چون: شوشتری (۱۴۱۰ ق: ج ۵، ۴۴۹)، مامقانی (بی تا: ج ۲، ۹۰)، استرآبادی (۱۴۲۲ ق: ج ۶، ۱۷۹)، تفرشی (۱۳۷۷ ش: ج ۲، ۴۰۳)، حلّی (۱۴۲۸ ق: ۱۹۱)، قهپایی (۱۳۶۴ ش: ج ۳، ۲۰۱)، اردبیلی (۱۴۰۳ ق: ج ۱، ۴۰۴)، حائری (۱۴۱۶ ق: ج ۴، ۵)، تبریزی (۱۴۱۲ ق: ج ۷، ۴۷۵)، نوری (۱۴۲۹ ق: ج ۲۶، ۷۱)، آقابزرگ (۱۴۰۳: ج ۱، ۲۸۲)، شاهرودی (۱۴۱۴ ق: ج ۴، ۲۳۵)، خوبی (۱۴۱۳ ق: ج ۱۰، ۵۶)، امین (۱۴۰۳ ق: ج ۲، ۴۳۵) و حسن زاده (۱۴۱۸ ق: ۱۷۶). «ابن ندیم» در میان مشایخ «محمد بن جریر طبری» (م. ۳۱۰ ق) از شخصی به نام ابومقاتل یاد نموده است:

وأخذ فقه أهل العراق عن أبي مقاتل بالزّی. (ابن الندیم، بی تا: ۳۲۶)

اگر بنابر مشهور سال ۲۵۴ ق سال شهادت امام هادی علیه السلام باشد و ابومقاتل نقیب ری توفیق تشرف به محضر امام علیه السلام و نقل روایت از ایشان داشته با توجه به این که طبری ۸۷ سال عمر کرده و در سال ۲۲۴ ق به دنیا آمده و در سنّ سی سالگی او امام هادی علیه السلام شهید شده این احتمال است که این شخص همو باشد.

دلالت بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام

در اکثر روایات مقصود از «فرج» همان برپایی حکومت حقه آل محمد علیهم السلام است ولی محتمل است به طور استثناء در این روایت غرض، فرج و گشایش معمولی از مشکلات و مصائب برای اهل قم بوده و ربطی به ظهور صاحب الزمان علیه السلام نداشته باشد. قضاوت امر مشکل است چون

متن و نصّ حدیث کامل به دست ما نرسیده است و ممکن است جایی افتادگی و کمبود وجود داشته باشد. نکته قابل بررسی این که مقصود از محمّد در عبارت دوّم آیا حضرت مهدی علیه السلام است؟

... این صورت شهریست که آن را قم گویند، که بندگان خدای از مؤمنان در آن جمع شوند، و انتظار تو کشند از برای قیامت و حساب، تا تو شفیع امت گردی و همچنین مؤمنان و زاهدان در آن جمع شوند، و انتظار محمّد کشند، و شفاعت کردن او درباره دوستان آل محمّد علیهم السلام.

در این بخش از حدیث انتظار اوّل به ظاهر برای حضرت محمّد علیه السلام است و انتظار دوّم احتمالاً برای حضرت محمّد المهدی علیه السلام و شفاعت کردن ایشان از دوستان و مُحَبّانِ خاندان حضرت محمّد علیه السلام است. آن چه دلیل بر این مدّعا است روایت‌های قبل و بعد این روایت در کتاب ترجمه تاریخ قم است آن جا که هم معنا احادیثی تا حدودی مرتبط نقل شده است:

... همچنین علم و دانش از قم به دیگر شهرها و ولایت فائض و منتشر گردید... پس به نزدیک آن حجت خدای عزّ و جلّ ظاهر شود - یعنی قائم آل محمّد - و بر همه خلق واجب و لازم بود که به طاعت وی - یعنی محمّد مهدی - مُسارعت و مُبادرت نمایند... (القمی، ۱۳۶۱ ش: ۹۶)

یا در بخشی از این روایت:

... او گفت: من روزی در صحبت امام ابی الحسن علی بن ابی طالب نشسته بودم، ذکر قم و اهل قم، و میل کردن ایشان با محمّد مهدی علیه السلام می کردند... (القمی، ۱۳۶۱ ش: ۱۰۰)

بنابراین از این دو روایت به دست می آید که مترجم تاریخ قم از لفظ «محمّد» یا «محمّد مهدی» برای حضرت مهدی علیه السلام استفاده کرده است. از روایت موجود در اختصاص و انتظار محمّد در آن، حضرت محمّد مهدی یا صاحب الزّمان علیه السلام استفاده نمی شود. از روایت موجود در ترجمه تاریخ قم نیز نمی توان به جزم و یقین گفت که قطعاً محمّد همان حضرت مهدی علیه السلام و انتظار به او معطوف است. اما یک نکته قابل تأمل این که در ابتدا در انتظار اوّل به کلمه «تو» اشاره شده و در انتظار دوّم از لفظ «محمّد» استفاده شده است. شاید نامواژه «مهدی» از همنشینی در کنار واژه «محمّد» در این جا محروم شده و از متن افتاده است از سویی اگر هر دو محمّد به حضرت رسول صلی الله علیه و آله باز گردد تکرار مُخَلّ لازم می آید.

در کتاب‌هایی همچون: *علامات المهدی المنتظر* علیه السلام فی *خُطب الإمام علی* علیه السلام و *رسائله وأحادیثه* (الفتلاوی، ۱۴۲۱ ق: ۱۶۲)، *المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی* علیه السلام (الکورانی، ۱۴۳۰ ق:

۵۹۴: (مُعْجَم احادیث الإمام المهدي عليه السلام (طبسی، محمد جعفر و دیگران، ۱۴۲۸ ق: ج ۲، ۲۳۳) تا ظهور (طبسی، نجم الدین ۱۳۸۸ ش: ج ۲، ۳۴۰) و نَهْجُ الْخِلاص (الفتلاوی، ۱۴۲۸ ق: ۴۶۲) ظهور آب در سطح شهر قم را در این حدیث ویژه، مستقیم یا تلویحی جزء علائم و نشانه‌های فرعی ظهور و مرتبط با فَرَج و گشایش امر حضرت مهدی عليه السلام طبقه بندی نموده‌اند و چون از آثار مُتَاخَّرِنْد از اهمیّت علمی، ابزاری و دلالتی برای نتیجه‌گیری علمی و جایگاهی برای یک حدیث برخوردار نیستند.

دیدگاه دانشمندان اسلامی

مجلسی (م. ۱۱۱۰ ق) به این حدیث اعتماد نموده و بدون در نظر گرفتن بحث فَرَج در بیان آشکار شدن آب نوشته است:

بیان المراد به إما ظهور الماء فی أصل البلد أو لم یکن فی هذا الزمان فیہ ماء جار أصلاً كما ذکر فی تاریخ قم مبدأ حدوث الوادی بقم وإنه کانت فیہ قنوات ولم یکن فیہ نهر جار.
(المجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۷، ۲۰۸)

مقصود از این کلام آشکار شدن آب در خود شهر قم است، یا این که در آن زمان [زمان امام هادی عليه السلام یعنی قرن سوّم] در قم هیچ آبی جاری نبوده چنان که در کتاب «تاریخ قم» آغاز پیدایش وادی در قم را ذکر کرده و گفته پیش از آن در آن جا تنها کاریز و قنات بوده و رودی جاری نبوده است. «شیخ عبّاس قمی» (م. ۱۳۵۹ ق) در توضیح آن نوشته است:

اقول: قد ظهر الماء بقم علی وجه الأرض فی أيام صبای فکان یفور الماء من السراذیب و التنایر و قد خربت لذلك دور كثيرة بل محلة یقال لها عربستان خرب؛ (القمی، ۱۴۱۴ ق: ج ۷، ۳۵۶)

من می‌گویم: در دوران کودکی من، آب، شهر قم را فراگرفت به گونه‌ای که از زیرزمین‌ها و تنورها آب فَوْران می‌کرد و بر اثر آن، خانه‌های زیادی خراب شد از جمله محله‌ای که به آن «عربستان» گفته می‌شود.

«خراسانی» (م. ۱۳۹۶ ق) نوشته است:

علامه مجلسی فرمود: در این زمان هنوز آبی جاری نیست. مؤلف گوید: در زمان ما به وسیله چاه‌های موتور آب ظاهر و جاری شده، پس محتمل است که همین مراد باشد و محتمل است به وجه دیگر، طوری شود که آب جاری گردد. (خراسانی، ۱۳۸۸ ش: ۱۴۳)

«کامل سلیمان» (م. ۱۴۳۰ ق) معتقد است:

يقصد بذلك طوفان الكوفة، و فيضان الفرات الذي يعقب طوفان الدم الذي يغرق الكرة الأرضية؛ (سليمان، ١٤٢٧ ق: ٤٣٦)

منظور طوفان و باران شديد در شهر «كوفه» است و در اثر آن طغيان رود «فُرات» كه متعاقب آن طوفان و باران شديد خون ايجاد مى شود كه كُره زمين را غرق و رنگين مى كند.

«هاشمى شهيدى» در تبیین «ظهورُ الماء» آورده است:

... و اما در مورد ظاهر شدن آب بر روی زمین قم ... هر چند بسیاری از محققان و مؤلفان و پژوهشگران آثار اهل بیت علیهم السلام در این باره اظهار نظرهای مختلف و متفاوتی ابراز داشته اند، ولی به نظر ما دور نیست که منظور از «ظاهر شدن آب بر روی زمین قم» همین سدّ فعلی قم سدّ پانزده خرداد باشد. زیرا ظاهر شدن آب بر روی زمین بدین صورت که به شکل دریاچه ای نمایان شود که آب در روی زمین ظاهر باشد تاکنون سابقه نداشته است. (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۲ ش: ۴۳۴).

«کورانی» نیز نوشته است:

المقصود ظهور الماء على وجه الأرض في قم، أو على شكل آية في العالم؛ (الکورانی، ١٤٣٠ ق: ٥٩٤)

مقصود آشکار شدن آب بر روی سطح زمین شهر قم است یا به شکل نشانه ای در [کُل] دنیا است.

«تبریزیان» در وجه ظهور آب بر سطح زمین که زمان فَرَج و گشایش مردم قم است با توجه به سیاق کتابش آن را به شکلی از علائم فرعی ظهور دانسته، چندین احتمال را جمع نموده است:

يحتمل إرادة السنة التي تسبق ظهور القائم عليه السلام فإنها سنة غيдаقة يكثر فيها الأمطار و في رواية يمطر الناس ٢٤ مطرة كما تقدم في أحداث السماء و إذا كثرت الأمطار ظهر الماء على وجه الأرض، و امتلاً نهر قم بالماء بحيث لم يسبق له مثيل. و لكن يستشعر من ظهور الماء على وجه الأرض هو ظهور ما كان مخفياً تحت الأرض و ذلك بسحبه بالمعدات الحديثة و سقى الزرع و ملء السواقي و الأنهار، و مجارى المياه. و قيل: هو جريان الماء في نهر قم بعدما لم يكن في حين صدور الخبر سوى القنوات داخل الأرض؛ (التبریزیان، ١٤٢٥ ق: ٥٤٨)

مُحتمل است که مقصود سنتی است که در زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام به وقوع می پیوندد و آن سنت «غیداقه» است که در آن ایام باران فراوان می بارد و در یک روایت

است که ۲۴ بار باران بر مردم می‌بارد و هنگامی که باران بسیار بیبارد آب بر روی زمین ظاهر و آشکار می‌شود و رود قُم پُر می‌شود به نحوی که مثل آن سابقه نداشته است. اما احساس می‌شود که ظهور و آشکار شدن آب بر روی زمین همان ظهور و آشکار شدن هر آنچه که در زیر زمین مخفی بوده است و آن به وسیله تجهیزات جدید استخراج می‌شود و زراعت‌ها آبیاری می‌شوند و جوی‌ها و رودها و آبراهه‌ها پر آب می‌شوند و گفته شده که این جاری شدن آب در رودخانه قم بعد از صدور این حدیث بوده به جز قنات‌هایی که داخل زمین قبل از آن بوده است.

نقد

سَهْوَالِقَلَمَى در نوشتار مجلسی رخ داده و او به جای ترکیب «ذَلِكِ الزَّمان» از عبارت «هذا الزَّمان» استفاده نموده است و اگر بر این سهو دقت لازم نشود مخاطب به اشتباه خواهد افتاد و تصوّر می‌کند که در قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری (زمان تالیف بحار) آب در قم جاری نبوده است حال آن‌که از دلایل ساخت کاریز و قنات در مناطق خشک مثل ایران این بوده و هست که آب را از اعماق زمین به صورت هفت چاه به سطح زمین بیاورند و جوی‌ها روان سازند لذا صرف وجود قنات دلالت بر جاری شدن آب بر روی زمین می‌کند و الا از چاه استفاده می‌شد. حتی این امر قنات‌سازی در زمان امام هادی علیه السلام نیز وجود داشته است. مجلسی الف و لام «الارض» را در حدیث از نوع عهد گرفته است و آن چه مدّ نظر داشته این متن از تاریخ قم در ذیل اقدامات و خدمات صاحب بن عبّاد (م. ۳۸۵ ق) وزیر شیعی آل بویه است:

... تا آخر روزگار عجم پس این کاریزها (قنات‌ها) روی در نقصان نهادند و به اندک روزگاری خراب شدند و قورجات آن یعنی در کاریزها و مُسْتَقّی‌ها که در زیر زمین کنده بودند باقی مانده بود و اثر آن ظاهر بود، پس چون «احمد بن علی المَرورودی» به قم آمد و والی قم شد قوم‌شان را به بیرون آوردن آب این کاریزها بداشت و مالی بسیار بر آن خرج کرد و آب‌های آن بگشاد و به شهر روان گردانید تا به میان بازار آن آب برسید ... و آن پُتر آب تا امروز ظاهر است، چون «احمد» از قم بیرون رفت دیگر باره آن آب باز ایستاد و منقطع شد و گویند بلکه بر آن حیلت کردند تا آن آب گشاده نکنند و هیچ کس را مقدور نمی‌شد که آن آب را بیرون آرد پس آب به شهر قم مدّتی نمی‌یافتند و به غایت عزیز الوجود می‌بود تا غایت آن مقدار آب که بُنجشکی بدان سیراب شود مُتَعَدَّر بود و دُشخوار به دست می‌آمد تا آن‌گاه که موید الدّوله - رحمه الله - (از سلاطین آل بویه و مُتوفّای ۳۷۲ ق و حاکم بر قم و دیگر نواحی) به استعانت و مدد و عنایت صاحب الجلیل کافی الکفاه «ابی القاسم اسماعیل بن عبّاد» (ایده الله) (صاحب بن عبّاد) ... و مالی بسیار بر آن خرج کرد تا آن‌گاه که آب سه کاریز بگشاد و روان کرد ... و عمارت آن در سنّه احدی و سبعین و ثلثمائنه

هجریّه بود و آب های آن به شهر روانه گردانید در جوی هایی که آن را استحداث کرده بود و آن آب در میان بازار و بیشترین محلّتها و موضع ها و درب ها و کوچه ها روان شد پس لاجرم بر مُتوطنان آن شهر و مسافران از صادر و وارد آسان شد بر گرفتن آب... و این آب جاری بود و منقطع نشد. (القمی، ۱۳۶۱: ش: ۴۳)

اگر زمان وفات امام هادی علیه السلام ۲۵۴ قمری باشد و ابوالمقاتل کمی قبل تر یا همان ایام این سؤال را پرسیده باشد از آن سال تا سال ۳۷۱ ق که مشکل آب قم حل شده است حدّاقلاً ۱۱۷ سال می گذرد. آیا واقعاً مردم قم در بیش از ۱۱۷ سال مشکل آب داشتند و آب در سطح شهر به اندازه سیراب شدن یک گنجشک بوده است؟ اگر واقعا این گونه بوده دیگر کشاورزی و تأمین محصولات اولیه هم ممکن نبوده است و باید شهر تبدیل به یک شهر متروکه می شد؟ اگر دقیقاً زمان «مرو رودی» را می دانستیم می توانستیم به جرات بگوییم که این زمان، زمان اندکی بوده است و شاید زمان امام هادی علیه السلام هم نبوده است لذا این نظر خیلی قابل قبول نیست. اگر چنین بازه زمانی (بیش از ۱۱۷ سال) می بود مراکز حدیثی مطرح شیعه مرتبط با اشعریان که در آن دوران قوّت فراوانی داشت به واسطه کمبود آب و بروز چنین مشکلی به هیچ وجه شکل نمی گرفت یا مهاجرت های فراوان به شهر قم انجام نمی شد. قطعاً امام عاقل و خردمند پاسخ این مشکل را که مردم قم چه زمانی مشکلاتشان در اثر بی آبی حل می شود این گونه پاسخ نمی دهد: «إِذَا ظَهَرَ الْمَاءُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ»، بلکه پاسخ روشن است و مشکل اصلی و عامل غم و غصّه همین عنصر آب و نبود آن است لذا این کلام از معصوم به شرطی که مقدّمه بی آبی و مشکلات وابسته به آن باشد پاسخ منطقی در محاوره نیست زیرا قبل از امام هادی علیه السلام داخل در شهر قم فقط عرب ها، زیاده از بیست قنات ایجاد کرده بودند (القمی، ۱۴۱۴: ق: ۴۱) و نهرها روان بوده است پس به آب و کمبود آن در قرن سوّم یا چهارم ارتباطی ندارد.

شیخ عبّاس قمی در سال ۱۳۵۹ ق از دنیا رفت و الان که ۱۴۳۸ قمری هستیم حدود ۷۸ سال است که وفات یافته است. روایت او برای قطعاً بیش از صد سال پیش در قم بوده است. قوران آب از تنورهای خانه های قم، تداعی کننده نشانه طوفان نوح علیه السلام است ﴿إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ﴾ (هود: ۴۰) البته آن نشانه برای عذاب و این برای رحمت و گشایش است. شیخ عبّاس، الف و لام «الارض» را از نوع عهد گرفته و با توجه به صدر خبر، آن را بر شهر قم حمل نموده است. اگر حدود صد سال پیش با فرضی که قوران آب در قم نشانه رفع مشکلات در قم بوده است هیچ تحوّلی در آن ایام در رفع مصائب مردم آن روزگار نمی بینیم. او روایت ظهور الماء

را به ظهور حضرت مهدی علیه السلام معطوف و ناظر ندانسته است. ولی صاحب کتاب «تأظهر» در ذیل این حدیث بعد از یاد کرد خاطره شیخ عباس آن را از علائم ظهور دانسته و نوشته است:

براین اساس، با این روایت باید در انتظار فرج باشیم و چه بسا سال‌ها از این واقعه بگذرد، صبر خدا بسیار است. (طوسی، نجم‌الدین، ۱۳۸۸، ش: ج ۲، ۳۴۱)

خراسانی به خطا رفته است چنان که پیشتر در مبحث مربوط به مجلسی تذکر داده شد، او نوشته است:

علامه مجلسی فرمود: در این زمان هنوز آبی جاری نیست.

از سویی الارض را در اصل، زمین قم گرفته است ولی اگر واقعا دیدگاه او از آب، مادی باشد با چاه موتور نیز آب ظاهر است و دیگر نیازی نیست که بگوییم وجه دیگری هم شاید باشد چون بالاخره آب بر سطح زمین ظاهر و آشکار شده و قضیه تمام است. اما نکته مهم این‌جا است که به واسطه قنات‌ها و کاریزها نیز همیشه و از قدیم ایام، آب بر سطح زمین قم روان می‌شده است و دلیل ایجاد قنات هم از قدیم این بوده است پیش از آن که موتور آب‌ها و پمپ‌ها اختراع شوند.

کامل سلیمان بعد از نقل روایاتی مهدوی که دلالت بر سال یا ایام پُر بارش در پیشاپیش ظهور دارد یک جمله از حدیث امام هادی علیه السلام مبنی بر ظهور آب بر سطح زمین را از کتاب اختصاص ذکر می‌کند و آن‌گونه که گذشت نتیجه‌گیری می‌کند، فارغ از این که به بخش اول خبر عنایت داشته باشد و در این‌جا ارض را نه ارض قم و نه ارض کُل جهان بلکه با توجه به روایاتی که به «طغیان رود فرات» اشاره دارد آن را به ارض کوفه در کشور عراق امروزی نسبت می‌دهد در حالی که این امر نمی‌تواند بر اساس این خبر روی در صواب داشته باشد زیرا صدر حدیث در مورد قم است لذا یا قم را شامل می‌شود یا الف و لام را باید در «الارض» از نوع الف و لام جنس در نظر گرفت که در این صورت، کُل زمین اعم از کوفه و قم و دیگر مکان‌ها را مشمول می‌شود. کامل سلیمان این واقعه را از علائم ظهور دانسته است. فرضیه او ناظر به این روایت است:

... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: عَامٌ أَوْ سَنَةٌ الْفَتْحُ يَنْشَقُّ الْفُرَاتُ حَتَّى يَدْخُلَ أَرْفَةَ الْكُوفَةِ
(الطوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۵۱)

کامل سلیمان با عنوان: «الآيات و الخوارق، الصّواعق... و الفحط و الخراب» این حدیث را از

قول امام هادی علیه السلام بدون در نظر گرفتن صدر آن به شکل «هم ينتظرون الفرج إذا ظهر الماء على وجه الأرض» ذکر و بعد نتیجه گیری نموده است. منشأ اشکال او در مصداق، احتمالاً در فیش برداری و تقطیع بوده است.

بر فرضیه هاشمی شهیدی نیز نقد وارد است. این آبی که در سطح زمین محدود شده ۱۵ خرداد جای گرفته است در خود شهر قم نیست و با آن ۸۰ کیلومتر فاصله دارد و آن جا جزء قم نیست و حتی در تقسیمات کشوری نیز جزء استان مرکزی است هرچند آب سد برای شرب مردم قم است و در تاریخ قم آن مناطق جزء مناطق اطراف و تحت سیطره والی قم بوده است ولی از نص روایت، لا اقل محدود شده شهر قم در مورد ظاهر شدن آب استفاده می شود نه ده ها کیلومتر آن طرف تر لذا در رفع اجمال قوتی ندارد و جزم و یقینی در تبیین نمی آورد.

کورانی نکته خاصی در تبیین نگفته و بر واضحات تاکید نموده است. الا آن که بر خلاف مجلسی، شیخ عباس قمی و هاشمی شهیدی دایره و حلقه ظهور آب را توسعه داده و فراتر از قم بر شمرده و آن را به کل عالم تعمیم داده است.

تبریزیان فصل جدیدی در رفع اجمال باز نموده است و و ظهور آب را به باران های پیاپی و استثنایی متصل به ظهور صاحب الزمان علیه السلام معطوف نموده و از علائم فرعی ظهور بر شمرده است که هم می تواند شامل قم و هم تمامی کره زمین شود. فرضیه او ناظر به این موارد است:

... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ قُدَّامَ الْقَائِمِ لَسَنَّةٌ غَيْدَاقَةٌ يَفْسُدُ التَّمْرُ فِي النَّخْلِ فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ. (الطوسي، ۱۴۱۱ق: ۴۴۹)

و:

... سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ قَالَ: السَّنَةُ الَّتِي يَقُومُ فِيهَا الْمُهْدِيُّ تَمَطَّرُ أَرْبَعًا وَعَشْرِينَ مَطْرَةً يُرَى أَثَرُهَا وَبَرَكَتُهَا. (همو: ۴۴۳)

که موبد قول سعید بن جبیر روایت منسوب به امام صادق علیه السلام مربوط به باران های متصل به ظهور و زنده شدن برخی مُردگان (الحلی، ۱۴۲۲ق: ۳۵۳) است. تبریزیان در نهایت نوشته است:

وقيل: هو جريان الماء في نهر قم بعدما لم يكن في حين صدور الخبر سوى القنوات داخل الأرض.

اگر مقصود او از «نهر قم» همین رودخانه قمرود باشد که قبل از امام هادی علیه السلام و بعد از

ایشان و قبل از اسلام هم جاری و روان بوده است بلکه بهتر بود از لفظ «آنهار» استفاده می‌کرد نه از واژه مفرد «نهر».

فرضیه

سه فرضیه مرتبط با این حدیث به حسب اعتمادی که دانشمندان بزرگ اسلامی به آن داشته‌اند، بیان می‌شود.
در روایت اختصاص از قول جبرئیل آمده است:

يَجْتَمِعُ فِيهَا عِبَادُ اللَّهِ الْمُؤْمِنُونَ يَنْتَظِرُونَ مُحَمَّدًا وَ شَفَاعَتَهُ لِقِيَامَةِ وَالْحِسَابِ يَجْرِي عَلَيْهِمُ الْغَمُّ وَالْهُمُّ وَالْأَحْزَانُ وَالْمَكَارِهِ. (المفید، ۱۴۱۳ق: ۱۰۱)

ما این غم و حزن بر مردم قم را از جنس معنوی فرض می‌کنیم نه مادی به سیاق کلام جبرئیل که قبل از آن آمده است و نشان از محبت و اعتقاد راسخ اهل قم به پیامبر ﷺ و به تبع آن به اهل بیت ایشان دارد. شاهد آن علاوه بر سیر مداوم سختی‌ها بر مسلمانان و به خصوص تشیع در تاریخ تا به امروز روایاتی چون: «لَوْ أَحْبَبْنِي جَبَلٌ لَتَهَافَتَ» (المجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۴، ۲۴۷)، «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَعِدَّ لِلْفَقْرِ جَلْبَابًا» (همو)، «مَنْ تَوَلَّانَا فَلْيَلْبَسْ لِلْمَحَنِ إِهَابًا» (التمیمی الآمدی، ۱۳۶۶ ش: ۹۹) در این فقره است. لذا احتمالاً این ظهور الماء به بروز و ظهور یک مقوله معنوی مثل ایجاد مرکز حدیثی شیعه در قرون سوم و چهارم هجری و ایام غیبت صغری و اوایل غیبت کبری صاحب الزمان ﷺ باز گردد که توسط خاندان اشعری و محدثان قمی پایه‌ریزی شد. این فرضیه بر اساس چند محور بیان می‌شود:

الف) خداوند در قرآن فرموده است:

﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾ (انبیاء: ۳۰)

ب) در روایات چه از ناحیه پیامبر ﷺ (ابن شعبه الحرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۸) و چه از ناحیه امیرمؤمنان ﷺ (اللیثی، ۱۳۷۶ ش: ۳۰)، علم و دانش، حیات و زندگانی معرفی شده است چنان که خداوند هر چیز زنده‌ای را از آب، حیات داده است حیات معنوی انسان نیز به علم است و به خصوص، علم دین که سرآمد همه علوم است.

ج) از قول امام صادق ﷺ روایت شده که فرمودند:

عن قریب باشد که کوفه روزگاری از مؤمنان خالی گردد و علم و دانش در آن ناپدید شود... و از وی اثر نماند و علم و دانش به شهری که آن را قم گویند ظاهر شود و روشن گردد و

معدن اهل علم و فضل شود... و این حکم بدی شان برسد و این معنی به نزدیک غیبت و ناپدید شدن حُجَّتِ الله بود... (القمی، ۱۳۶۱ ش: ۹۶۰)

مجلسی نیز این حدیث را آورده و در آن قید شده:

و ذلك عند ظهور قائمنا. (المجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۷، ۲۱۳)

با بررسی در نسخه اصلی «بحار» به خط مجلسی که در کتابخانه «مرعشی نجفی» نگه‌داری می‌شود همین روایت با تعبیر «و ذلك عند قرب غیبة قائمنا» ((مخطوط) ش ۹۸۵۴ برگ ۱۴۵) است نه «عند ظهور قائمنا». از این رهگذر در دوران نزدیک غیبت قائم علیه السلام، شهر قم تبدیل به یک مرکز حدیثی از دانشمندان فراوان به خصوص خاندان اشعری شده بود و برکات فراوانی برای شیعیان در سرتاسر عالم در برداشته است.

محتمل است روایت ظهور الماء با رویکرد معنوی از سوی معصوم علیه السلام به تأسیس حوزه علمیّه در شهر قم توسط «حائری» در ۱۳۴۰ ق. تاویل و بازگردد. لذا علم دین و حیات معنوی در قم سینه تشنگان را سیراب کرد. لذا از زمانی که حوزه علمیّه توسط ایشان به قم انتقال پیدا کرد، رشد شهر قم حتی از نظر مادی هم سرعت بیشتری گرفت و این شهر کانون توجه شد و در بین مردم شرافت بیشتری یافت و مورد توجه جهانیان نیز قرار گرفت و مراتب رشد مادی و معنوی آن نسبت به سابق بیشتر و فزاینده‌تر شد.

در این فرضیه «ظهور الماء» همان «ظهور المهدی علیه السلام» تاویل می‌شود. به عنوان درآمد از امام هادی علیه السلام در موقعیت‌هایی سؤال از امر فرج قیام قائم علیه السلام شده است:

... عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرَبَانَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ (صَاحِبِ الْعَسْكَرِ) عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَسْأَلُهُ عَنِ الْفَرَجِ؟ فَكَتَبَ: إِذَا غَابَ صَاحِبُكُمْ عَنْ دَارِ الظَّالِمِينَ، فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ. (ابن بابویه، علی بن حسین، ۱۴۰۴ ق: ۹۳)

... عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ علیه السلام قَالَ: إِذَا رَفَعَ عَلْمُكُمْ مِنْ بَيْنِ أَظْهُرِكُمْ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِكُمْ. (الکلبینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۳۴۱)

با عنایت به شرایط خفقان آور دوران امام هادی علیه السلام کلام از حالت رمزی و تقیه‌آمیز برخوردار است. از سوی دیگر در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که اشاره به حضرت صاحب الزمان علیه السلام دارد. در این فرضیه از دو روایت تاویلی و مرتبط: «آبِ گوارا در قرآن» و همچنین روایت «زنده شدن زمین بعد از مرگ در قرآن» «يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (الزّوم: ۱۹) بهره می‌بریم. اولین این روایات مربوط به تاویل آخرین آیه در سوره «تَبَارَكَ» است که ترکیب «ماء معین» (آبِ گوارا) از سوی

امام معصوم علیه السلام به وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام تاویل شده است مانند روایت کتاب «کفایة الاثر» (الخزاز القمی، ۱۳۶۱ش: ۱۲۱) و روایات متناظر دیگر در «کافی» (الکلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۹) و «کمال الدین» (ابن بابویه، محمدبن علی، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۲۵). روایات «زنده شدن زمین پس از مرگ در قرآن» نیز به حضرت ولی عصر علیه السلام رهنمون می‌سازند:

... عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَالَ يُحْيِيهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِالْقَائِمِ علیه السلام بَعْدَ مَوْتِهَا [يَعْنِي] كُفْرَ أَهْلِهَا وَالْكَافِرِ مَيِّتٌ. (ابن بابویه، محمدبن علی، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۶۸)

و روایات متناظری چون: (الکلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۷، ۱۷۴)، (الطوسی، ۱۴۲۵ق: ۱۷۵)، (النعمانی، ۱۳۷۹ق: ۲۵). بنابر پایه این دو گروه روایات تاویلی آن آب حیات بخشی که زمین را فرا می‌گیرد و به آن جان دوباره‌ای می‌بخشد و از مرگ می‌رهاند و اگر روزی غائب و نهان شود جز خدا کسی یارای ظاهر و آشکار نمودن آن را ندارد، وجود حضرت مهدی علیه السلام و متعاقب آن عدل و دادگری ایشان برای مردمان خواهد بود که همان فرج و گشایش مورد انتظار اهل ایمان در هر نقطه از جهان و به ویژه مردم شهر قم است. یعنی امام هادی علیه السلام با این بیان رمزآلود، سرپسته و احتمالاً تقیه آمیز در روایت «ظهور الماء» مانند دیگر کلام‌های ایشان در حوزه «فرج» چنین مطرح فرموده‌اند که تا زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام مشکلات شیعیان و به خصوص مردم قم باقی و جاری است و تا ایشان ظهور نفرمایند گره از کار بشر به طور اعم (سطح جهان) یا اخص (مردم قم) باز نخواهد شد. به خصوص اشاره روایت کافی که فرموده: «لَيْسَ يُحْيِيهَا بِالْقَطْرِ» (الکلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۷، ۱۷۴)، موید این فرضیه و جنبه معنوی و مهدوی آن است.

نتیجه‌گیری

با توجه به فحص در منابع حدیثی و رجالی و آثار محدثان و عالمان متقدم و متأخر، دستاوردی مستقن و محکم در اثبات سندی و متنی حدیث «ظهور الماء» از حضرت امام هادی علیه السلام و ارتباط مستقیم آن با امر فرج حضرت قائم علیه السلام حاصل نشد جز آن که تلاش شد تا حد امکان به حدیث و ابعاد مختلف متنی و سندی آن نزدیک شویم. بنابر این منابع موجود و در دسترس ما به هیچ عنوان پاسخگوی این ابهام نبوده و قادر به کشف اصالت متن و انتساب تام آن به معصوم علیه السلام نیستند. شاید برغم همه این جولان‌های فکری و تحقیقی در کمال تعجب و تصور حدیث از زمره احادیث مجعول و موضوعه باشد که برخی افراطیان و غالیان در زمینه اخبار معراج و فضائل بلدان و شهرها ساخته‌اند و به معصوم علیه السلام منتسب ساخته‌اند. چون

مدرکی محکم در اصالت حدیث کتاب «اختصاص» به دو معصوم یعنی پیامبر ﷺ و امام هادی ﷺ نداریم این فرض نیز می‌تواند محتمل و قابل اعتنا باشد.

سند حدیث دارای اشکال است اما چون در دو کتاب قدیمی حدیثی و تاریخی آمده و برخی از حدیث شناسان بی اعتنا به آن نشده‌اند، با مسامحه حدیث را می‌توان از حیث سندی نیز پذیرفت اما متن حدیث اشمالاتی دارد و احتمال نقل به معنا یا زیاده و نقصان در این مجال است. با خانواده حدیثی هم به جایی نمی‌رسیم تا این اشکال مرتفع گردد اما باز بنا را بر اساس اختصاص و بحار می‌گذاریم.

به لحاظ دلالت نیز حدیث مشکل دارد اساساً اکثر علائم آخر الزمان، جزء علائم قطعی نیست و مبنای قضاوت و تطبیق در خروج فوری حضرت ﷺ نیست. چه بسا این علامت قبلاً واقع شده باشد یا بعد از وقوع فاصله زیادی تا امر فرج باشد یا بداء حاصل شود اما باز اساس احتمال را که از علائم متصل به ظهور باشد، نفی نمی‌کند.

در زمینه فرضیات در مورد مصادیق ظهورالماء با فرض صحت انتساب کلام به امام هادی ﷺ نگاه‌هایی مادی به مسئله ظهور آب همچون: مجلسی و دیگران و نگاه مادی معنوی مانند: تبریزیان از نظر گذشت. فرضیه ما با نگاهی کاملاً متفاوت و معنوی ارائه شد. ما ظهور آب در زمین را بر خلاف دیگر آراء که در تبیین این حدیث صورت گرفته است، یک تعبیر معنوی و رمز آلود در نظر گرفتیم: ظهور مرکز حدیثی شیعه از ناحیه خاندان اشعری در قم در ابتدای غیبت و نزدیک به آن (قرن سوم و چهارم هجری)، ظهور حوزه علمیّه فقهیه در شهر قم (قرن چهاردهم هجری)، ظهور حضرت ولی عصر ﷺ به عنوان برطرف‌کننده همه مشکلات و گرفتاری‌ها که بر اساس روایات معتبر در زمینه دو دسته از آیات قرآن، به ایشان تاویل نمودیم. نگاه ما به مسئله ظهور آب در زمین، یک نگاه بر حسب موضوع معنویّت بود، نگاهی که دیگر محدثان و پژوهشگران در این فقره به آن هیچ اشاره‌ای ننموده‌اند. در نتیجه ما، الف و لام در «الارض» را از نوع الف و لام عهد گرفتیم و آن را زمین قم دانستیم سپس سختی‌ها را سختی مادی و معنوی در اثر محبت اهل بیت ﷺ دانستیم و «ماء» به معنای آب را یک تعبیر معنوی و غیر مادی بر اساس قرآن و روایات تاویل نمودیم و در نهایت فرج و گشایش را بر اساس کلام امام هادی ﷺ، دوران ظهور حضرت حجت ﷺ بر شمردیم لذا در این جا «ظهور الماء» (زمان گشایش و فرج مردم قم از مشکلات و سختی‌ها به حسب محبت پیامبر ﷺ و اهلبیت ﷺ) لفظی کنایی با توجه به سیاق پاسخ دهی رمز آلود و تقیه آمیز امام هادی ﷺ و همان «ظهور المهدی ﷺ» تاویل شد.

منابع

- ابن الغضائري، احمد بن الحسين (۱۴۲۲ق)، الرجال، دار الحديث، قم ايران
- ابن النديم، محمد بن اسحاق (بى تا)، الفهرست، دارالمعرفة، لبنان بيروت
- ابن بابويه، محمد بن على (۱۳۹۵ق)، كمال الدين وتمام النعمة، دارالكتب الاسلامية، تهران ايران
- ابن بابويه، على بن حسين (۱۴۰۴ق)، الإمامة والتبصرة من الحيرة، مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم ايران
- ابن شعبه الحراني، حسن بن على (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، جامعه مدرسين، قم ايران
- الارديبيلي، محمد بن على (۱۴۰۳ق)، جامع الرواة، دارالأضواء، لبنان بيروت
- الاسترآبادي، محمد بن على (۱۴۲۲ق)، منهج المقال فى تحقيق أحوال الرجال، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم ايران
- امين، محسن (۱۴۰۳ق)، اعيان الشيعة، دارالتعارف للمطبوعات، بيروت لبنان
- التبريزيان، عباس (۱۴۲۵ق)، العدد التنائلى فى علائم الظهور المهدي عليه السلام، دارالاثر، بيروت لبنان
- التفريشى، مصطفى بن حسين (۱۳۷۷ش)، نقد الرجال، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم ايران
- التميمي الأمدي، عبد الواحد (۱۳۶۶ش)، تصنيف غرر الحكم ودرر الكلم، دفتر تبليغات، قم ايران
- حسن زاده الاملى، حسن (۱۴۱۸ق)، اضبط المقال فى ضبط اسماء الرجال، مكتب الإعلام الإسلامى، قم ايران
- الحسينى الحلى، حسين بن كمال الدين ابرز (۱۴۲۸ق)، زبدة الأقوال فى خلاصة الرجال، دار الحديث، قم ايران
- خراسانى، محمد جواد (۱۳۸۸ش)، مهدي منتظر عليه السلام، نورالكتاب و ضامن آهو، مشهد ايران
- الخزاز القمى، على بن محمد (۱۳۶۱ش)، كفاية الاثر، بيدار، قم ايران
- الخزعلي، ابوالقاسم (۱۴۲۴ق)، موسوعة الإمام الهادي عليه السلام، مؤسسة ولى العصر عليه السلام، قم ايران
- الخويى، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، معجم رجال الحديث، بى نا، بى جا
- سليمان، كامل (۱۴۲۷ق)، يوم الخلاص، قم ايران، دارالمجتبى
- الشوشترى، محمد تقى (۱۴۱۰ق)، قاموس الرجال، جماعة المدرسين، مؤسسة النشر الإسلامى،

قم ايران

- طبسى، محمدجعفر و ديگران (موسسة المعارف الاسلامية) (١٤٢٨ق)، معجم الأحاديث الإمام المهدي عليه السلام، مسجد جمكران، قم ايران

- طبسى، نجم الدين (١٣٨٨ش)، تا ظهور، بنياد فرهنگى حضرت مهدي موعود عليه السلام، تهران ايران

- الطوسى، محمد بن حسن (١٤٠٤ق)، اختيار معرفة الرجال، موسسة آل البيت عليهم السلام، قم ايران

- _____ (١٤٢٥ق)، الغيبة، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم ايران

- _____ (١٤٢٠ق)، (الفهرست)، فهرست كتب الشيعة، مكتبة المحقق

الطباطبائى، قم ايران

- الطهرانى، آغا بزرگ (١٤٠٣ق)، الذريعة الى تصانيف الشيعة، دار الأضواء، لبنان بيروت

- العطاردى، عزيز الله (١٤١٠ق) مسند الإمام الهادى عليه السلام، آستان قدس، مشهد ايران

- عليارى التبريزى، على بن عبدالله (١٤١٢ق)، بهجة الآمال فى شرح زبدة المقال، بنياد فرهنگ

اسلامى كوشانپور، تهران ايران

- الفتلاوى، مهدي حمد (١٤٢١ق)، علامات المهدي المنتظر عليه السلام فى خطب الإمام على عليه السلام و رسائله و أحاديثه، دارالهادى، قم ايران

- الفتلاوى، مهدي حمد (١٤٢٧ق) نهج الخلاص، مكتبة الشهاب الثقاب، بغداد عراق

- القمى، حسن بن محمد (١٣٦١ش)، تاريخ قم، ترجمه: حسن بن على بن عبد الملك

قمى، توس، تهران ايران

- القمى، حاج شيخ عباس (١٤١٤ق)، سفينة البحار، اسوه، قم ايران

- القهبائى، عناية الله (١٣٦٤ش)، مجمع الرجال، اسماعيليان، قم ايران

- الكلينى الرازى، محمد بن يعقوب (١٤٠٧ق)، الكافى، دارالكتب الاسلامية، تهران ايران

- الكورانى، على (١٤٣٠ق) المعجم الموضوعى لاحاديث الامام المهدي عليه السلام، دارالمرتضى، بيروت

لبنان

- الليثى الواسطى، على بن محمد (١٣٧٦ش)، عيون الحكم والمواعظ، دارالحدیث، قم ايران

- المازندراني الحائرى، محمد بن اسماعيل (١٤١٦ق)، منتهى المقال فى أحوال الرجال، موسسة

آل البيت عليهم السلام، قم ايران

- المامقانى، عبدالله (١٤٣١ق)، تنقيح المقال فى علم الرجال، موسسة آل البيت عليهم السلام، قم ايران

- المجلسى، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بيروت لبنان
- المجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، ش ۹۸۵۴ برگ ۱۴۵. (كتابخانه مرعى نجفى، قم ايران)
- المطهر الحلى، ابن الحسن (۱۴۲۲ق)، المستجد من الإرشاد، دار القارى، بيروت لبنان
- المفيد، محمد بن محمد بن النعمان (۱۴۱۳ق)، الاختصاص، المؤتمر العالمى لالفية الشيخ المفيد، قم ايران
- النجاشى، محمد بن على (۱۳۶۵ش). فهرست أسماء مصنفي الشيعة، مؤسسة النشر الإسلامى، قم ايران
- النعمانى، محمد بن ابراهيم (۱۳۷۹ق)، الغيبة، مكتبة الصدوق، تهران ايران
- النمازى الشاهرودى، على (۱۴۱۴ق)، مستدرکات علم رجال الحديث، ناشر: ابن مولف، تهران ايران
- النورى، حسين بن محمد تقى (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم ايران
- هاشمى شهيدى، اسدالله (۱۳۸۲ش). زمينه سازان انقلاب جهانى حضرت مهدي عليه السلام، پرهيزكار، قم ايران